

حق و باطل

در کلام الله

(از مجموعه کلام خدا را اینگونه درک کنیم)

جلد ۹



گرد آوری و تحشیه : شهرزاد حسنی

حق و باطل در کلام الله

گرد آوری و تحشیه : شهرزاد حسنی



ای پی پی

هرگاه پرچم محمد رسول الله

را بر افق عالم زدی

حق داری استراحت کنی

جاوید الاثر حاج احمد متوسلین

ابتدا فکر میگردم که مملکت

وزیر دانا میخواهد بعد فکر کردم

شاید شاه دانا میخواهد

اما اکنون میفهمم

ملت دانا میخواهد

امیر کبیر هنگام تبعید



امیر کبیر در روزهای تبعید از ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حق و باطل در کلام الله

کلام خدا را اینگونه درک کنیم
روشی نوین درس آموزی از محضر قرآن مجید

گردآوری و تحشیه از شهروز حسنی

سرشناسه : حسنی، شهروز، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدید آور : مجموعه کلام خدا را اینگونه درک کنیم (روشی نوین درس آموزی از

محضر قرآن مجید) حق و باطل در کلام الله گردآوری و تحشیه شهروز حسنی .

مشخصات نشر : تهران - شهروز حسنی ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری : ۸۴ صفحه، ۵/۱۴*۵/۲۱ س م

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۸۲۹-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا.

عنوان دیگر : حق و باطل در کلام الله

موضوع : قرآنی بررسی و شناخت

شناسنامه افزوده :

رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ح ۵ / ۱۰۴ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۶۷۰۱۲

نام کتاب : حق و باطل در کلام الله

گردآوری و تالیف : شهروز حسنی

ناشر : تهران شهروز حسنی

ویراستار : ملیحه شاهسون

چاپ اول : ۱۳۹۵ تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ : صحافی :

قیمت : ۵۰۰۰ تومان (بابت هزینه کاغذ و چاپ و توزیع) و صلوات بر محمد و آل

محمد برای محتوا

آدرس : ری

تلفن : ۵۵۹۶۱۰۲۲

پست الکترونیک : HASAN7947@MAILFA.COM

سایت اینترنتی : SHAKERIN313.IR

هر گونه بهره برداری و نشر ، با نیت فی سبیل الله، آزاد و مورد منت است به برکت صلوات بر

محمد و آل محمد .

تقدیم به همه کسانی که کلمات الله را باور
کرده و به آن ایمان آوردند و همه هستی مادی
خود را (مال و جان و فرزند و...) در راه
اعتلای آن هزینه کردند و اعلام بیزاری از
کسانی که وجود پلید خود را پشت ظاهر زیبای
قرآن پنهان کرده و منافقانه (برای کسب
دنیای فانی) از پشت به آن خنجر می زنند.

فهرست

۵ مقدمه
۱۹ معاجز در کلام الله
۲۰ حق و مشتقاتش در کلام الله
۷۷ بطل در کلام الله
۷۹ باطل در کلام الله

می گویند قرآن بزرگترین معجزه الهی و جاوید(برای همه مکانها و همه زمانها) است . یعنی :

معجزه ای بزرگتر از شفای مریضها توسط حضرت عیسی (ع) است .
 معجزه ای بزرگتر از زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) است.
 معجزه ای بزرگتر از شکافتن دریا توسط موسی (ع) آنگونه که مردم آن عصر را به حیرت واداشت .
 معجزه ای بزرگتر از مار شدن عصا آنگونه که موسی را چنان به وحشت انداخت که پا به فرار گذاشت و ...

سوال : چرا با خواندن قرآن چنین حسی به اکثر ما دست نمی دهد ؟

سوال : اشکال از دریافت ماست یا (نعوذ بالله) از معجزه بودن قرآن ؟
 ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (البقره/۲) آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (البقره/۳) (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [=آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.

در خصوص این مجموعه موارد زیر به استحضار می رسد :

۱- دروازه این جهان عظیم ، اراده ما برای متقین شدن است و تازه بعد از اتخاذ این اراده است که شرط یومنون بالغیب را باید در دستور کارمان قرار دهیم .

۲- ام الکتاب یعنی این کتاب ، مادر سایر کتابها باید باشد ، نه برعکس . یعنی ما با مطالعه سایر کتابها نمی توانیم به کنه قرآن پی ببریم بلکه با درک قرآن می توانیم به حق یا باطل بودن (درست یا غلط بودن) سایر کتب پی ببریم . ام الکتاب یا مادر همه کتابهای حق و هدایت ، قرآن است پس پرداختن به اصل همیشه ما را از فرعیات (علوم مرسوم دانشگاهی و حوزوی) غنی می کند .

۳- در برخورد با قرآن مسلمانان به چند دسته تقسیم می شوند:
برخی قرآن را طوطی وار می خوانند گویی مسابقه ای است که چه کسی سریعتر روخوانی می کند.

برخی گویی قرآن وسیله ای برای چه چه ، است و در بستر آن ، صدای خود را و صوت خود را برای خلق خدا ، تبلیغ می کنند .

برخی قرآن را چنان پیچیده و ثقیل می کنند که غیر مستقیم به سایر مردم می گویند شما سر در نمی آورید ، سراغ قرآن نیایید ، همان ما ها ، با آن سر و کار داریم ، کافی است شماها فقط اطاعت کننده ما باشید . شما هر چه می خواهید از خود ماها بپرسید لازم نیست مستقیم با قرآن طرف باشید . (البته شاید در اعصار گذشته که مردم فرصت و حوصله و انگیزه یاد گرفتن نداشتند ، می شد اینگونه مردم را راکد و مسکوت کرد ولی در این عصر هرگز . در عصری که عامه مردم تازه مزه شیرین تفکر و عبادت و کنجکاو دانش را درک کرده اند و در بسیاری از علوم حتی جلوتر از مشاهیر ، اعلام نظر می کنند انحصارها شکسته شده است .

برخی هم آیات مبهم قرآن (نسبت به درک ناقص خودشان) را می گیرند و مدام روی آن مانور می دهند پس و پیش آن را هم نمی گویند و به قصد مسخره کردن کاملاً شیک قرآن را مسخره می کنند . (معاندانی که با آیات جهاد و قصاص در قرآن مشکل دارند و سعی می کنند خودشان را صلح طلب و اخلاق مند معرفی کنند , که البته نزد اهل معرفت و زمان شناس فریبشان رنگی ندارد)

برخی فقط به دنبال صناعات ادبی و ظاهر شیک و آهنگین قرآن می روند و فقط از آن قسمت قرآن لذت می برند و به بقیه اش کاری ندارند و اشتغال به ظاهر قرآن , آنها را از کشف باطن آن غافل کرده است .

برخی قرآن را برای پز دادن می خواهند به دانشمندان غربی خرده می گیرند که شما خزعبلاتی که می بافید در مقابل قرآن ما هیچ ارزشی ندارد ولی در عمل حاضر می شوند تابع دستورالعملهای همان خزعبلات گویان باشند , این دسته همان غربردگان , لیبرال مسلک , بعضاً مقدس ماب هستند.

برخی به یک مفهوم قرآن می چسبند اگر چه در آن نکته خاص از خیلی ها جلوترند ولی از درک و اشراف کاملتر قرآن باز می مانند گویی ظرف معرفتشان اندازه یک لیوان است , برخی از مداحان جزء این دسته اند .

برخی چنان قرآن را در مجلدهای شکیل و زر ورق می نگارند و چاپ می کنند گویی ارزش آیات آن و مفاهیم متعلقه تغییر می کند .

برخی دهها چاپ قرآن , دهها مجلد , دهها نرم افزار و از آن را تهیه می کنند و انبار می کنند ولی میل نزدیک شدن به آن را ندارند یا بهتر بگوئیم خداوند لیاقت بهره مندی از قرآن را به آنها نمی دهد .

۴- قرآن خیلی متکبر و با حیا است، محال است به متکبر چیزی بیاموزد، تا فرد به واقع خاشع نشود، اثلا راهش نمی دهد، حتی اگر آن فرد اصرار داشته باشد که از قرآن سر در آورد، چنان آن مطالعه را برایش عذاب آور می کند که مجبور به فرار شود و در یک کلام، قرآن، نا محرم را از خود می راند.

۵- این مجموعه از آن جهت مورد توجه است که پردازش به سخن الله است نه یک اندیشمند بشری و الله کسی است که از ابتدا بوده و همیشه هست و تا ابد خواهد بود و همه نظامات این جهان، را او طراحی کرده است، لذا توجه به سخنان طراح اصلی عالم برای کشف راهها و راه حل‌های مصائبی که گرفتار آن هستیم امری بسیار واجب است.

۶- شرط محرمیت را باید جست و آن جز تسلیم شدن در برابر خدا و وارد شدن به عبادالهی نیست، که هر کس وارد این قلمرو شود، خداوند همچون هادی و مربی و ربوبیت کننده عالی، یکی یکی، نشانی‌ها (آیات) را در مسیرش قرار می دهد و یکی یکی آیه های قرآن را برایش رمز گشایی می کند.

۷- در ادامه تجربه این شخص حقیر را از مواجهه با قرآن خدمتتان بازگو می کنم شاید مورد توجهتان قرار گیرد یا به کارتان آید.

در مطالعات قرآنی رسیدم به این آیه: **فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ** وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (الأنبياء/۷۹) ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر یک از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم؛ و کوه‌ها و پرندگان را با داوود مسخر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می‌گفتند؛ و ما این کار را انجام دادیم!

ما به سلیمان فهمانندیم!!!!!! ما !!!! یعنی چی ؟ (با خودم می گفتم: خدایا چه داری می گویی ؟ من خودم دارم می فهمم کسی به من چیزی نمی فهمانه و حالا تو به من می گویی , فهمیده هات را من به تو فهماندم و ...) این آیه را گذاشتم کنار آیه " وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (الأنفال/۱۷) و این تو نبودی (ای پیامبر که تیر را) انداختی؛ بلکه خدا انداخت!" , دیگه قفل کردم, ۳ ماه سر کار بودم تا بلکه قسمتی از معنی این آیه را بفهمم و در آن مدت جرات و توان نزدیکی به قرآن را نداشتم

در خلوت خود با خدا راز و نیاز می کردم و به او می گفتم : خدایا من که فلان و فلان و فلان هستم . چرا جرات باز کردن و خواندن کلام تو را ندارم ؟!!؟

بعدها که فرق اصالت ابژه(متعلق شناسایی : چیزی که باید شناخته شود (و اصالت سوژه (فاعل شناسا : کسی که قادر است آن چیز را بشناسد) را در فلسفه درک کردم تازه متوجه شدم از چه مهلکه ای نجات پیدا کردم .(مهلکه غیر بینی و خود بینی به جای حق بینی(از منظر خدا دیدن)) و خواسته یا نخواستہ چنان منت بزرگی به من عطا شده است, الله می فرماید : ما به سلیمان (ع) فهمانندیم و به (پدرش) داوود (ع) فهمانندیم به برادرش آدونیا فهمانندیم . و ... خلاصه اینکه **همین ۲ کلمه مرا تسلیم قرآن کرد** اواخر آن موضوع , کارم به جایی رسیده بود که گستاخانه و طلبکارانه به خدا می گفتم: باید به من هم بفهمانی همانطور که به سلیمان فهمانندی و اگر نه به عدالتت شهادت نمی دم و ... سبحان الله , الحمد لله , لاله الا الله , الله اکبر , استغفرالله ربی واتوب الیک خدایا

نعمتهایت را شکر, داده و نداده ات را شکر اشتباهات و گناهان همه ما را ببخش.

۸- موضوع فهم , پیچیده ترین مسئله انسانهاست , که همه تلاشهایشان را حول این موضوع اختصاص داده اند . فقط اینقدر به شما بگویم که تاریخ اسلام الی ما شا الله قاری و حافظ قرآن داشته و دارد. چرا با وجود همه آنها وضع مسلمانان این طوری است (به جای پیشرو بودن همواره تابع اند و توجیه گر) نکته : تا خداوند, در ما لیاقت فهم آیه را نبیند , فهم آن را به ما اعطا نمی کند , حالا هر چقدر هم که زور بزنیم بهترین قرائت و بهترین حفظ را انجام بدیم فایده ندارد باید لیاقت فهم را در خودمان ایجاد کنیم و آن هم فقط یک فرمول دارد , که در حدیث قدسی آورده است : به آنچه می دانی عمل کن تا آنچه نمی دانی را به تو یاد دهم . عمل به حق راه فهم ما را باز می کند . با یکدیگر دعا کنیم **یا الله خودت آنچه صلاح می دانی را به ما بفهمان** .

۹- لذا مجموعه حاضر تلاشی است برای درک جزئی تر, کلمات قرآنی (درک جزئی, دروازه و مقدمه فهم کلی تر, است) که الله در آخرین ورژن کتاب الهی به بشر نازل کرده است و به همین خاطر توصیه می کنیم , هنگام مطالعه کتاب مقدس مدام این دعا را با خود تکرار کنید که **خدایا تو به من بفهمان** , باشد تا لایق آن شده باشیم که مشیت او به فهم و تعالی ما تعلق گیرد .

۱۰- ملاک فهم, بر مرکز الله قرار دارد و او به هر کس که بخواهد و به هر مقدار که بخواهد از این نور جاری و حکمت باقی بهره مند می کند و نعمت صیروت خود را نصیبش می کند امید است زمینه ای فراهم شود

ما لایق شویم و خدا عنایتی کند و به ما هم فهمانده شود آنگونه که به سلیمان و سایر انبیا و ائمه و صالحین و صدیقین بشر فهمانده شد.

۱۱- راز کار اینجاست، فهم را فقط از الله طلب کنید، آنچه او به شما می دهد ارزش دارد. قرآن ظاهری دارد و باطنی، پس از یک مدت انس با قرآن اگر شما را لایق دید و کم کم حجاب خود را برایتان برمی دارد و بر بطن آن محرم می کند، کم کم اعجاز را با سلول سلول جسم و ذره ذره روحتان درک می کنید. و خوشا آن حال حق، یا محول الحول و الاحوال.

۱۲- اتفاقات و تجربیات عجیبی در زندگی تان احساس می کنید، به شما یقین می دهد که از درون مطمئن می شوید که جهت آن حق و درست است و کمال و سعادت را در پی دارد ولو همه مردم، خلافت را بگویند و این همان نعمت فرقان است که: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ** (الأنفال/۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای الهی را داشته باشید (تقوا را اینطور تصور کنید که همه جا یک دوربین بسته شده که پشت آن کارگزاران خداوند یا اثلا خود خداوند در حال روئیت فکر و عمل شماست) و این باعث شود از صراط مستقیم، انحراف نکنید، و حالا برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد، (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌آمزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

۱۳- اساس این روش در فهم قرآن این است که مخاطب یک کلمه از قرآن را مرکز توجه قرار دهد و آن را مانند نخ تسبیح در نظر بگیرد و همه

آیات مرتبط با آن را مطالعه کند و در همه آن آیات، سعی کند رابطه سایر موضوعات مورد اشاره آیه با آن کلمه خاص را درک کند. در پایان فهمی از آن کلمه در ذهنش می‌نشیند که مصداق حدیث امام صادق (ع) است که می‌فرماید: قرآن را با قرآن تفسیر کنید. البته درک بسیاری از کلمات قرآن با این روش بسیار آسان می‌گردد و نیاز به هیچگونه توضیحی نیست لیکن برای اینکه با شرایط عصری و برخی مصادیق عامه هم تطبیقی صورت گیرد به طور مختصر توضیحی ارائه می‌گردد. که پژوهنده گرامی باید توجه کند که آن توضیح صرفاً از منظر نگارنده است و خدای ناکرده حمل بر کلام الله نکند.

۱۴- برای ورود به حوزه نظریه و نظریه پردازی نیاز به یک چهارچوب مفهومی معتبر و قوی داریم، باتفاق همه عقلای پیشینی و امروز جهان، تنها منبعی که کامل است، هیچ اشکالی به آن وارد نیست قرآن مجید می‌باشد.

۱۵- منطق توحیدی اساس تقسیم بندی و گردآوری این مجموعه است یعنی تقسیم بندی همه موضوعات عالم جعل به دوتایی های حق و باطل و زدن باطل و اقامه حق تا ان شاء الله تفکر در شکل درست خود، به علم در وجدان ما تبدیل شود. انشا الله

۱۶- از شما مخاطب عزیز تقاضا می‌کنم هیچ عجله ای برای تمام کردن این مجموعه نکنید بگذارید آرام آرام به جانتان بنشیند و آنچه از الهامات و نکته های عقلی و علمی که با خواندن این مجموعه به ذهنتان متبادر می‌شود، حتما در جایی ثبت و ضبط کنید، تا ان شا الله در وبسایت مرجعی که برای این منظور راه اندازی می‌گردد به اسم خودتان ثبت شود، امید اینکه کم کم آن گنجینه بزرگ معرفتی منشعب از ام

الکتاب ساخته شود که سایر بندگان خدا هم از آن استفاده مکفی را ببرند و گره گشای، مسئله و مشکلی بگردد.

۱۷- الله در قرآن کریم کامل ترین و جامعترین و بهترین کلامات زبان هر قوم را برای انتقال مفهومش انتخاب کرده است لذا گاهی در برابر یک کلمه ای که ما می شناسیم در قرآن چندین کلمه وجود دارد مثلا ما در برابر همه کلمات صدر، قلب، فواد، شغاف کلمه دل را به کار می بریم حال آنکه هر کدام از کلمات بار معنایی خود و جایگاه خاص خود را در نظام معرفت حق دارا می باشند، لذا وقتی به این موارد بر خوردید به خودمان اشکال بگیریم و سعی کنیم ما خود را همراه معارف قرآنی کنیم. نه اینکه با مقاومت و تعصب جاهلی بر زبان فارسی در برابر قرآن، از حکمتهای آن محروم شویم.

۱۸- ایامی که که درگیر مباحثات و جدلهای علمی هستیم با تمام گوشت و پوست و استخوانم درک کردم که مشکل اصلی در این است که جامعه علمی ما، در مفهوم کلمات با هم تعارض دارند، یعنی به اصطلاح در ترمینولوژی، ریشه شناسی واژه ها با یکدیگر مشکل داریم، بسیاری از مدرنیستها مدام کلمه علم (که واژه ای قرآنی است) را به کار می برند ولی در اصل منظورشان ساینس است و... لذا این مجموعه برای مقدمه ورود به مباحث تکمیلی از واجبات است که بدانیم واقعا منظور الله از کلمه علم چه بوده، کاملترین فهم زمانی به وجود می یابد که همه جاهایی که الله این کلمه را به کار برده است دقیق بررسی کنیم.

۱۹- پس از گردآوری و تالیف کتاب (فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان، ها) بسیاری مدام از بنده حقیر می پرسیدند، شما چگونه این مفاهیم را کنار قرار می دهید و من فقط آنها را به خود قرآن، ارجاع می

دادم و اینکه در محضر قرآن تسلیم باشند . فکر می کنم توضیحات بالا جوابی برای سوال آن عزیزان باشد .

۲۰- لازم به ذکر است متن آیات و ترجمه آنها از نسخه مورد تأیید آیت الله مکارم شیرازی اقتباس شده است و اینکه هر جا احساس کردید برای فهم آیه به اطلاعات بیشتری نیاز دارید حتما به کتاب آیات پیوسته قرآن مراجعه کرده و آیات پس و پیش آن را مد نظر قرار دهید و باز اگر اقناع نشدید به کتب تفسیر و شان نزول مراجعه فرمائید . و نکته بعدی اینکه : ترجمه ها ، ترجمه مرسوم هست و با توجه به مفاهیم جدیدی که درک می شود اشتباهاتی در آن یافت می شود . لذا اصل برای ما خود متن عربی قرآن است.

۲۱- اگر این روش تدریس قرآن در جامعه مقبول افتد حتی می تواند جایگزین دروس عربی و قرآن و تعلیمات دینی و تعلیمات اجتماعی و امور تربیتی و تا قسمتی هم ادبیات و تاریخ در دوره های تحصیلی آموزش و پرورش شود .

۲۲- که از نتایج تبعی آن می توان اصلاح فرهنگ زبانی عامه پس از ۲ نسل را انتظار داشت . چون هم اکنون در زبان عوام بسیاری از لغات قرآنی به غلط جا افتاده که باید اصلاح شود .

۲۳- امیدوارم این تلاش باعث شود جامعه ولایی شیعیان جهان به درجه ای از فقاقت برسند که لایق محضر امام مهدی موعود صاحب الزمان(ع) بشوند .

۲۴- این مجموعه تلاش مقدماتی برای ترمینولوژی واژه های قرآنی است که در ادامه با نوع جدیدی از فهرست بندی موضوعی کلمات مرتبطه تجربه بسیار دلپذیری را از درک آیات قرآن نصیب مخاطب می کند هر کدام از این کلمات می تواند تا سطوح بسیار پیشرفته تری کار پژوهشی و

علمی را در برگیرد که خود به خود با انباشت آن پژوهشها زمینه برای تعریف یک رشته دانشگاهی در علوم انسانی به وجود می آید و این رویه ان شا الله پایه، اسلامی کردن علوم دانشگاهها و توحیدی کردن علوم تثلیثی فعلی را در آینده رقم بزند .

۲۵- و دیگر اینکه خواهشا این مجموعه را به اینجانب نسبت ندهید بنده به اندازه دانه ریگی از اقیانوس بی کران معرفت این کتاب جاوید بهره بردم و تجربه خودم را در فهم بهتر و موثرتر از کلام الله را در این مجموعه تدوین کرده ام لذا همه ضعفهای احتمالی را به حساب حقارت بنده در این عرصه بگذارید . و همه بزرگی ها را به حساب آفریننده این کلمات . ولی بالاخره باید کاری می شد، ۱۴۰۰ سال است خداوند همه راه حل های زندگی سالم و صالح را فرستاده و ما هنوز در مقدمات معارف دست و پا می زنیم .

۲۶- اصرار داریم که اصطلاح " کلام الله " مکرر و مکرر بیان بشود تا خوب در اذهان و افکار بنشیند در اینصورت ما و عامه مردم عادت می کنیم که در مقابل کلام نفر ۱ نفر ۲ و نفر ۱۰۰ ام به دنبال درک کلام الله در آن موضوع برویم و آن را فصل الخطاب بپذیریم که قطعاً همان صراط المستقیم است .

۲۷- با توجه به آیه زیر، ارزش والای قرآن را درک کنیم ، که در این صورت برای درک آن تا آخر دنیا هم اگر لازم باشد می رویم .

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (الحشر/۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (القمر/۴۰)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟!

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (الرحمن/۲)

قرآن را تعلیم فرمود،

۲۸- در لحظه لحظه مطالعه این مجموعه فقط ذهنتان را متوجه ، درک حضور خداوند کنید ، موضوعات فلسفی وجود و ... را به وقتی دیگر ، به بعدها واگذارید تا حظ مطالعه آیات الله را از دست ندهید .

۲۹- آیه : وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (الإسراء/۱۰۶)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأُنزِلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (الفرقان/۳۲)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی‌شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم.

۳۰- طبق آیه ، مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (شوری/۲۰)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

۳۱- باید انتخاب کنید ، دو راهی ای که در همه مراحل زندگیتان با آن روبه رو می شوید ، گزینه یک دنیا ، گزینه ۲ آخرت گزینه ۳ رکود و بی‌انتخابی و هدر دادن همه چیز ، گزینه ۴ هر دو .

۳۲- بعد از نگارش کتاب فرضیه شجره و خلقت نخستین انسانها به این نتیجه رسیدم که ما با بحران مفاهیم کلمات قرآنی و ترجمه های مخدوش از قرآن رو به رو هستیم .و کلماتی را به جای کلمات قرآنی به عنوان ترجمه به کار می بریم که نه تنها معنا را منتقل نمی کند بلکه حجابی بر معنای کلمات قرآنی است

۳۳- شاید الله ، این وظیفه مهم را به دوش ما پارسی زبان ها قرار داده است تا ترجمه ای صحیح و کامل از قرآن تهیه کنیم، که از روی آن بشود به همه زبانها ترجمه کرد . و از این رهگذر حجت بر تمام انسانها تمام شود .و دیگر هیچکس در دنیا بهانه ای ندارد که چرا پیامبر خدا به زبان ما پیامی نفرستاده است. چون خیلی بزرگتر از آنها تمدن ایرانی است، که می بایست چنین ادعایی کند ، لیکن همه اقوام پارسی تسلیم امر الهی شده اند و به هر زبانی که الله پیامبرش را بفرستد رزق هدایت خود را جستجو می کنند و ان شا الله می یابند .

۳۴- قبل از تصمیم به انتشار عمومی این اثر ، استخاره ای از قرآن گرفتم که این آیه آمد ، تفسیرش با مخاطبان فَأِنَّمَا يَسْرُنَاهٗ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا(مریم/۹۷) و ما فقط آن [= قرآن] را بر زبان تو (پیامبر خاتم (ص)) آسان ساختیم تا

پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی.

۳۵- در ویراست اول این مجموعه بنا داریم صرفاً لیست آیات موضوعی را بدون توضیح یا تفسیر خاص بیاوریم چون بسیاری از مردم می خواهند کلام خدا را خالص و بی مزاحم بخوانند لیکن در ویراست های بعدی توضیحات لازم و تفسیر و سایر برداشتهای منطقی نیز آورده می شود تا موضوع قوام بگیرد .

۳۶- یک تقاضایی هم از صاحبان علم و فضل دارم اینکه چراغ این مسیر را با نظرات و بازخوردها و پیشنهها و اصلاحگریهای خود روشن نگه دارند و چنانچه مطلب جدیدی را یافتند یا آیه ای در فهرست موضوعی از قلم افتاده (نعوذ بالله) که باید اضافه شود یا اشکالی در این پژوهش کشف کردند منت گذارند و با ایمیل hasan7947@mailfa.com اعلام فرمایند .

۳۷- و نکته آخر اینکه بی دریغ نسبت به مباحث قرآنی برای اعتلای خود و سپس تبلیغ آن به سایرین همت ورزید تا ان شا الله خودمان و ملت‌هایمان را از مهجوریت نسبت به کلام خداوند در آوریم .(چون آنچه در جهان واقع جریان دارد قرآن و کلام خداوند است و هر چه غیر آن است وجه باطل نفسانیات انسانهاست که البته موجب ضلالت جامعه امروز ما شده است)

۳۸- مزید منت است، کسی علاقه و توان و وقت و امکان لازم را دارد ، زحمت ترجمه این مجموعه را به زبان محلی خود و حتی زبان سایر ملتها بکشد تا رسالت امه وسط بودن خود را ، نسبت به سایر انسانها ، انجام داده باشیم . ان شا الله

۳۹- و آرزویم این است که روزی به جای رشته های دانشگاهی فعلی رشته هایی با عناوین هر یک از کلمات قرآنی جایگزین شود . توفیق دنیا و آخره را برای همه شما آرزومندم . والسلام

معاجز در کلام الله

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (الحج/۵۱)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می پنداشتند که

می توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوزخند!

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رَّجْزٍ أَلِيمٍ (سبأ/۵)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از

حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناک خواهند داشت!

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (سبأ/۳۸)
 و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می کنند و می پندارند از
 چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می شوند!

حق و مشتقاتش در کلام الله

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ
 أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا
 وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (البقرة/۲۶)

خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن،
 مثال بزند شرم نمی کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده اند، می دانند که آن،
 حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ و اما آنها که راه کفر را پیموده اند، (این
 موضوع را بهانه کرده) می گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!»
 (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می کند؛ ولی
 تنها فاسقان را با آن گمراه می سازد!

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة/۴۲)

و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می دانید کتمان نکنید!
 وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ
 الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ

بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (البقرة/۶۱)

و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می‌ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند.

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةً لَّا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا آلَانِ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (البقرة/۷۱)

گفت: خداوند می‌فرماید: «گاو باشد که نه برای شخم زدن رام شده؛ و نه برای زراعت آبکشی کند؛ از هر عیبی برکنار باشد، و حتی هیچ‌گونه رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی!» سپس (چنان گاو را پیدا کردند و) آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنزَلَ عَلَيْنَا وَيكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (البقرة/۹۱)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می‌شوند؛ در حالی که حق است؛ و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می‌کند. بگو: «اگر (راست می‌گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رساندید؟!»

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ
 أَنفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ
 عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (البقرة/۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو
 می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای
 آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند
 فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (البقرة/۱۱۹)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول
 (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی!

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ أَوْلِيكَ يَوْمُنَا بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ (البقرة/۱۲۱)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم [= یهود و نصاری] آن را چنان که
 شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند؛ و کسانی که به
 او کافر شوند، زیانکارند.

قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (البقرة/۱۴۴)

نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم!
 اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی
 خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن
 بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمان
 حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده‌اند که

پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست!

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ
الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (البقرة/۱۴۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند!

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (البقرة/۱۴۷)

این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش!

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا
 اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (البقرة/۱۴۹)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز،) روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ
 بَعِيدٍ (البقرة/۱۷۶)

اینها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق، (و توأم با نشانه ها و دلایل روشن،) نازل کرده؛ و آنها که در آن اختلاف می کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می آورند،) در شکاف و (پراکندگی) عمیقی قرار دارند.

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (البقرة/۱۸۰)

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [= مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!»

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقرة/۲۱۳)

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛ تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (البقرة/۲۲۸)

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [= عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (البقرة/۲۳۶)

اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع)، آنها را (با هدیه‌ای مناسب)، بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایشش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است.

وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (البقرة/۲۴۱)

و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (البقرة/۲۴۷)

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.»

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (البقرة/۲۵۲)

اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می‌خوانیم؛ و تو از رسولان (ما) هستی. یا ایها الذین آمنوا إذا تدابنتم بدين إلى أجل مسمى فاكتبوه وليكتب بينكم كاتب بالعدل ولا يأب كاتب أن يكتب كما علمه الله فليكتب وليمل الذي عليه

الْحَقُّ وَلَيَتَقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسُ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَفْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (البقرة/۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدت‌داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن -همان طور که خدا به او تعلیم داده- خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند)، تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم‌تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می‌باشد؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش

(نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسندہ و شاهد، (به خاطر حَقّوایی)، زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد؛ خداوند به همه چیز داناست.

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (آل عمران/۳)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (آل عمران/۲۱)

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (آل عمران/۶۰)

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو؛ بنا بر این، از تردید کنندگان مباش!

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (آل عمران/۶۲)

این همان سرگذشت واقعی (مسیح) است. (و ادعاهایی همچون الوهیت او، یا فرزند خدا بودنش، بی‌اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست؛ و خداوند توانا و حکیم است.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران/۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می‌زمیزید و) مشتبه می‌کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می‌دارید در حالی که می‌دانید؟!

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ
الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (آل عمران/۸۶)

چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت
رسول و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران
را هدایت نخواهد کرد!

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل
عمران/۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا
بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان
عمر، حفظ کنید!)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يَرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (آل
عمران/۱۰۸)

اینها آیات خداست؛ که بحق بر تو می‌خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی برای
(احدی از) جهانیان نمی‌خواهد.

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ
مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (آل عمران/۱۱۲)

هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید
نظر در روش ناپسند خود)، و (با) با ارتباط به مردم (و وابستگی به این و آن)؛ و
به خشم خدا، گرفتار شده‌اند؛ و مهر بیچارگی بر آنها زده شده؛ چرا که آنها به
آیات خدا، کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند. اینها بخاطر آن است
که گناه کردند؛ و (به حقوق دیگران)، تجاوز می‌نمودند.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ
أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ

قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران/۱۵۴)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد)، گروهی از شما را فرا گرفت؛ اما گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت). آنها گمانهای نادرستی - همچون گمانهای دوران جاهلیت - درباره خدا داشتند؛ و می گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می شود؟!» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست!» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می دارند که برای تو آشکار نمی سازند؛ می گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی شدیم!» بگو: «اگر هم در خانه های خود بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه های خود، بیرون می آمدند (و آنها را به قتل می رساندند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در سینه های پنهان دارید، بیازماید؛ و آنچه را در دل های شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون سینه هاست، با خبر است.

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (آل عمران/۱۸۱)

خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی نیازیم»، شنید! به زودی آنچه را گفتند، خواهیم نوشت؛ و (همچنین) کشتن پیامبران را بناحق (می نویسیم)؛ و به آنها می گوئیم: «بچشید عذاب سوزان را (در برابر کارهایتان!)»
 إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (النساء/۱۰۵)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی!

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (النساء/۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا صادقتر باشد؟!

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (النساء/۱۵۱)

آنها کافران حقیقی‌اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم. فَبِمَا نَفْسِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (النساء/۱۵۵)

(ولی) بخاطر پیمان‌شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می‌گفتند: «بر دل‌های ما، پرده افکنده (شده) و سخنان پیامبر را درک نمی‌کنیم!» رانده درگاه خدا شدند. آری، خداوند بعلت کفرشان، بر دل‌های آنها مهر زده؛ که جز عده کمی (که راه حق می‌پویند و لجاج ندارند)، ایمان نمی‌آورند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (النساء/۱۷۰)

ای مردم! پیامبر(ی که انتظارش را می‌کشیدید)، حق را از جانب پروردگارتان آورد؛ به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است! و اگر کافر شوید، (به خدا زبانی نمی‌رسد، زیرا) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً أَنْتَهُمَا خَيْرٌ لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَ الَّذِي يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (النساء/۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگوئید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابر این، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگوئید: «(خداوند) سه گانه است!» (از این سخن خودداری کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزّه است که فرزندی داشته باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است؛ و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است.

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (المائدة/۲۷)

و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد!

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (المائدة/۴۸)

و این کتاب [= قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و

اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ به شما خبر خواهد داد.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (المائدة/۷۷)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیتی که بیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!»

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (المائدة/۸۳)

و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می‌بینی که (از شوق)، اشک می‌ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته‌اند؛ آنها می‌گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس!»

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (المائدة/۸۴)

چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگاران ما را در زمره صالحان قرار دهد؟!»

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَانِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اغْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (المائدة/۱۰۷)

و اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهی شده‌اند (و حق را کتمان کرده‌اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای آنها قرار

می‌گیرند، و به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است! و ما تجاوزی نکرده‌ایم؛ که اگر چنین کرده باشیم، از ظالمان خواهیم بود!»

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلهِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (المائدة/۱۱۶)

و آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟!»، او می‌گوید: «منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می‌دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم! بیقین تو از تمام اسرار و پنهانیها باخبری.

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (الأنعام/۵)

آنان، حق را هنگامی که سراغشان آمد، تکذیب کردند! ولی بزودی خبر آنچه را به باد مسخره می‌گرفتند، به آنان می‌رسد؛ (و از نتایج کار خود، آگاه می‌شوند).

وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (الأنعام/۳۰)

اگر آنها را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارش ایستاده‌اند، ببینی! (به آنها) می‌گوید: «آیا این حق نیست؟» می‌گویند: «آری، قسم به پروردگارمان (حق

است!)» می‌گوید: «پس مجازات را بچشید به سزای آنچه انکار می‌کردید!»

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (الأنعام/۵۷)

بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم؛ و شما آن را تکذیب کرده‌اید! آنچه شما در باره آن (از نزول عذاب الهی) عجله دارید، به دست من نیست! حکم و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می‌کند، و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.»

ثُمَّ رُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مَوْلَاهُمْ **الْحَقُّ** اَلَا لَهٗ الْحُكْمُ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحٰسِبِيْنَ (الأَنْعَام/۶۲)

سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، بازمی‌گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست؛ و او، سریعترین حساب‌گران است!

وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ **الْحَقُّ** قُلْ لَسْتُ عَلَیْكُمْ بِوَكِيْلٍ (الأَنْعَام/۶۶)

قوم و جمعیت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است! (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان‌آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان.)»

وَهُوَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ **بِالْحَقِّ** وَيَوْمَ يَقُوْلُ كُنْ فَيَكُوْنُ قَوْلُهُ **الْحَقُّ** وَلَهُ الْمُلْكُ یَوْمَ یَنْفَخُ فِی الصُّوْرِ غٰلِیْمٍ الْغٰیْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِیْمُ الْخَبِیْرُ (الأَنْعَام/۷۳)

اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می‌گوید: «موجود باش!» موجود می‌شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می‌شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه.

وَکَیْفَ اَخَافُ مَا اَشْرَکْتُمْ وَاَنْتُمْ تَخَافُوْنَ اَنْتُمْ اَشْرَکْتُمْ بِاللّٰهِ مَا لَمْ یَنْزِلْ بِهٖ عَلَیْكُمْ سُلْطٰنًا فَاٰی الْفٰرِیْقَیْنِ **اَحَقُّ** بِالْاٰمَنِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ (الأَنْعَام/۸۱)

چگونه من از بت‌های شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید که هیچ‌گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (بت‌پرستان و خداپرستان)، شایسته‌تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می‌دانید!؟

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَحْمِلُونَهُ قَرَاتِيسٍ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (الأنعام/۹۱)

آنها خدا را درست نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است!» بگو: «چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ اما شما) آن را بصورت پراکنده قرار می‌دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید؛ و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن با خبر نبودید!» بگو: «خدا!» سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت‌آمیزشان رها کن، تا بازی کنند!

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوْحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (الأنعام/۹۳)

چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی فرستاده شده»، در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می‌کنم»؟! و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شدید مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می‌گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید!» (به حال آنها تأسف خواهی خورد)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (الأنعام/۱۱۴)

(با این حال)، آیا غیر خدا را به داوری طلبیم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به

آنها کتاب آسمانی داده‌ایم می‌دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابر این از تردیدکنندگان مباش!

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّيْحَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (الأنعام/۱۴۱)

اوست که باغهای معروش [= باغهایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد]، و باغهای غیرمعروش [= باغهایی که نیاز به داربست ندارد] را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می‌باشد). از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (الأنعام/۱۵۱)

بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندان‌تان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!

وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (الأعراف/۸)

وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند!

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُمْ مُهْتَدُونَ (الأعراف/ ۳۰)

جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند)، گمراهی بر آنها مسلم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند!

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَاللَّبَغَىٰ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (الأعراف/ ۳۳)

بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم بناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید.»

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ تُلْكَمُ الْجَنَّةَ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (الأعراف/ ۴۳)

و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمی‌کنیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند)؛ و از زیر (قصرها و درختان) آنها، نهرها جریان دارد؛ می‌گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی‌یافتیم! مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند!» و (در این هنگام) به آنان ندا داده می‌شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می‌دادید، به ارث بردید!»

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (الأعراف/ ۴۴)

و بهشتیان دوزخیان را صدا می‌زنند که: «آنچه را پروردگاران ما به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود

حق یافتید؟!» در این هنگام، ندادهنده‌ای در میان آنها ندا می‌دهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد!

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (الأعراف/۵۳)

آیا آنها جز انتظار تأویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرا رسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی سودی ندارد؛ و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می‌گویند: «فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا (امروز) شفیعیانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) بازگردیم، و اعمالی غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند؛ و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان گم می‌شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفیعیانی!)

قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (الأعراف/۸۹)

اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛ علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!

حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (الأعراف/۱۰۵)

سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس بنی اسرائیل را با من بفرست!

فَوَقَّعَ الْحَقُّ وَبَطَّلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأعراف/۱۱۸)

(در این هنگام،) حق آشکار شد؛ و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت.

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعُغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (الأعراف/۱۴۶)

بزودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! (همه اینها) بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند!

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (الأعراف/۱۵۹)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند، و به حق و عدالت حکم می‌نمایند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (الأعراف/۱۶۹)

پس از آنها، فرزندانی جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (آسمانی، تورات) شدند؛ (اما با این حال،) متاع این دنیای پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می‌دهند) و می‌گویند: «(اگر ما گنهکاریم توبه می‌کنیم و) بزودی بخشیده خواهیم شد!» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می‌گیرند، (و باز حکم خدا را پشت سر می‌افکنند). آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبندند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آنها خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی‌فهمید!؟

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (الأعراف/۱۸۱)

و از آنها که آفریدیم، گروهی بحق هدایت می‌کنند، و بحق اجرای عدالت می‌نمایند.

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (الأنفال/۴)

(آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است؛ و برای آنها، آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است.

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (الأنفال/۵)

همان‌گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر)، بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده‌ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)!

يَجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (الأنفال/۶)

آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند؛ (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود، که) گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند، و آن را با چشم خود می‌نگرند!

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَهَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (الأنفال/۷)

(به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را بر خلاف میلان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد.)

لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (الأنفال/ ۸)

تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند.

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ
أَوْ أُنزِلْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ (الأنفال/ ۳۲)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگارا! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود آرا یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!»

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ
الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (الأنفال/ ۷۴)

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است.

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
أَتُخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (التوبة/ ۱۳)

آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی‌کنید؟! در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آنها می‌ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید! قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (التوبة/ ۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند!

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (التوبة/۳۳)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (التوبة/۴۸)

آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه‌انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند)؛ تا آن که حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها کراهت داشتند.

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ (التوبة/۶۲)

آنها برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که شایسته‌تر این است که خدا و رسولش را راضی کنند، اگر ایمان دارند!

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (التوبة/۱۰۸)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نیست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد!

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُذًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبة/۱۱۱)

خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته

می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ!

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (یونس/۴)

بازگشت همه شما بسوی اوست! خداوند وعده حقی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بعدالت جزا دهد؛ و برای کسانی که کافر شدند، نوشیدنی از مایع سوزان است؛ و عذابی دردناک، بخاطر آنکه کفر می‌ورزیدند!

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (یونس/۵)

او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می‌دهد!

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (یونس/۲۳)

اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم میکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره (میبیرید)، سپس بازگشت شما بسوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهیم!

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَصَلَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ (یونس/۳۰)

در آن جا، هر کس عملی را که قبلا انجام داده است، می‌آزماید. و همگی بسوی «الله» -مولا و سرپرست حقیقی خود- بازگردانده می‌شوند؛ و چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرار داده بودند، گم و نابود می‌شوند!

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ (یونس/۳۲)

آن است خداوند، پروردگار حق شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می‌شوید؟!

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (یونس/۳۳)

اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد!

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (یونس/۳۵)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!»

وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (یونس/۳۶)

و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی‌اساس)، پیروی نمی‌کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حق نمی‌رساند)! به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است!

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (یونس/۵۳)

از تو می‌پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حق است؟» بگو: «آری، به پروردگرم سوگند، قطعاً حق است؛ و شما نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید!»
أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (یونس/۵۵)

آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست! آگاه باشید وعده خدا حق است، ولی بیشتر آنها نمی‌دانند!

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (یونس/۷۶)

و هنگامی که حق از نزد ما بسراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است آشکار!»
قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (یونس/۷۷)
 موسی گفت: «آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می‌گویید؟! آیا این سحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی‌شوند!

وَيَحِقُّ لِلَّهِ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (یونس/۸۲)

او حق را به وعده خویش، تحقق می‌بخشد؛ هر چند مجرمان کراهت داشته باشند!»

فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (یونس/۹۴)

و اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند بپرس، به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است؛ بنابر این، هرگز از تردیدکنندگان مباش! [مسلمانا او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!]

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (یونس/۹۶)

(و بدان) آنها که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و بجرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز) ایمان نمی‌آورند،

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ (یونس/۱۰۳)

سپس (هنگام نزول بلا و مجازات)، فرستادگان خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می‌آورند، نجات می‌دهیم و همین گونه، بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را (نیز) رهایی بخشیم!

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (یونس/۱۰۸)

بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم!»

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالِنَارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (هود/۱۷)

آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهی از سوی او می‌باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها [= حق طلبان و حقیقت‌جویان] به او (که دارای این ویژگی‌هاست)، ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند!

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (هود/۴۵)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسر من از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!»

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكُمْ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا تُرِيدُ (هود/۷۹)

گفتند: «تو که می‌دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم؛ و خوب می‌دانی ما چه می‌خواهیم!»

وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ
وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (هود/۱۲۰)

ما از هر یک از سرگذشتهای انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم؛ و ارادهات قوی گردد. و در این (اخبار و سرگذشتهای) برای تو حق، و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است.

قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَأَوْتَنِّي يوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ
قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْأَنْ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَأَوْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ
الصَّادِقِينَ (یوسف/۵۱)

(پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه بود؟» گفتند: «منزه است خدا، ما هیچ عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسر عزیز گفت: «الآن حق آشکار گشت! من بادم که او را به سوی خود دعوت کردم؛ و او از راستگویان است!

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ
جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ
بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ
الْحَكِيمُ (یوسف/۱۰۰)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی بخاطر او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبلا دیدم؛ پروردگارم آن را حق قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می‌خواهد (و شایسته می‌داند)، صاحب لطف است؛ چرا که او دانا و حکیم است!

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ (یوسف/۱۰۱)

پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما!»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (الرعد/۱)

المر، اینها آیات کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند!

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (الرعد/۱۴)

دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی گویند! آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست!

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (الرعد/۱۷)

خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید -خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند!- اما کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می ماند؛ خداوند اینچنین مثال می زند!

أَقْمَنُ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ **الْحَقُّ** كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُو
الْأَلْبَابِ (الرعد/۱۹)

آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند...

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ **بِالْحَقِّ** إِنَّ يَشَاءُ يَذْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ
جَدِيدٍ (الإبراهيم/۱۹)

آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد!

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ **الْحَقُّ** وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا
كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْ مَوْأ
أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ
الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (الإبراهيم/۲۲)

و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم‌ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند!

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا **بِالْحَقِّ** وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ (الحجر/۸)

(اما اینها باید بدانند) ما فرشتگان را، جز بحق، نازل نمی‌کنیم؛ و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی‌شود (و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می‌گردند)!

قَالُوا بَشَرْنَاكَ **بِالْحَقِّ** فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَاقِطِينَ (الحجر/۵۵)

گفتند: «تو را به حق بشارت دادیم؛ از مایوسان مباش!»

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (الحجر/۶۴)

ما واقعیت مسلمی را برای تو آورده‌ایم؛ و راست می‌گوییم!
وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ
الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (الحجر/۸۵)

ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز بحق نیافریدیم؛ و ساعت
موعود [= قیامت] قطعاً فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می‌رسد)! پس، از
آنها به طرز شایسته‌ای صرف‌نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)!

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (النحل/۳)

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می‌دهند!
وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى
اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكذِّبِينَ (النحل/۳۶)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت
اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی
دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان
چگونه بود!

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (النحل/۳۸)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می‌میرد،
برنمی‌انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا
بازمی‌گرداند)؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى
لِلْمُسْلِمِينَ (النحل/۱۰۲)

بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان!

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرِيبَةً أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (الإسراء/۱۶)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم.

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا (الإسراء/۲۶)

و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن،

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (الإسراء/۳۳)

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است!

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (الإسراء/۸۱)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!»

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (الإسراء/۱۰۵)

و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نفرستادیم!

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاَهُمْ هُدًى (الکهف/۱۳)

ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می‌کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم.

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا (الكهف/۲۱)

و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویند که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).»

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (الكهف/۲۹)

بگو: «این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می‌خواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سرپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته صورتهای را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است!

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (الكهف/۴۴)

در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد!
وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (الكهف/۵۶)

ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند!

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (الکهف/۹۸)

(آنگاه) گفت: «این از رحمت پروردگار من است! اما هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را در هم می کوبد؛ و وعده پروردگارم حق است!»

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (مریم/۳۴)

این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقی که در آن تردید می کنند!

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه/۱۱۴)

پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود؛ و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!»

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (الأنبياء/۱۸)

بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می شود! اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می کنید!

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ (الأنبياء/۲۴)

آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: «دلایلتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی [= پیامبرانی] است که پیش از من بودند!» اما بیشتر آنها حق را نمی‌دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی گردانند.

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (الأنبياء/۵۵)

گفتند: «آیا مطلب حقی برای ما آورده‌ای، یا شوخی می‌کنی؟!»

وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (الأنبياء/۹۷)

و وعده حق [= قیامت] نزدیک می‌شود؛ در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت بازمی‌ماند؛ (می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم!

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (الأنبياء/۱۱۲)

(و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)؛ و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبتهای ناروای شما، از او استمداد می‌طلبیم!»

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (الحج/۶)

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است؛ و اوست که مردگان را زنده می‌کند؛ و بر هر چیزی تواناست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (الحج/۱۸)

آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (با) دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان

حتمی است؛ و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد!

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بغيرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحج/۴۰)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

وَلَيَعْلَمَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (الحج/۵۴)

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (الحج/۶۲)

این بخاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است!

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحج/۷۴)

خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا

عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ (الحج/۷۸)

و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسک جویید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای!

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۗ فَجَعَلْنَاهُمْ عُنَاءَ قَبْعَدَا لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ (المؤمنون/۴۱)

سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را همچون خشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)!

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ ۗ وَهُمْ لَا يُظَلَّمُونَ (المؤمنون/۶۲)

و ما هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی‌کنیم؛ و نزد ما کتابی است که (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده و) بحق سخن می‌گوید؛ و به آنان هیچ ستمی نمی‌شود.

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ ۗ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (المؤمنون/۷۰)

یا می‌گویند او دیوانه است؟! ولی او حق را برای آنان آورده؛ اما بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند).

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۗ بَلْ أَتَيْنَاهُمُ بِذِكْرِهِمْ فَهَمُّ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (المؤمنون/۷۱)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباه می‌شوند! ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) برای آنهاست، اما آنان از (آنچه مایه) یادآوریشان (است) رویگردانند!

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (المؤمنون/۹۰)

نه، (واقع این است که) ما حق را برای آنها آوردیم؛ و آنان دروغ می‌گویند!

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (المؤمنون/۱۱۶)

پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از اینکه شما را بی‌هدف آفریده باشد)! معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است!

يَوْمَئِذٍ يُؤْفِقِهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (النور/۲۵)

آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست می‌دهد؛ و می‌دانند که خداوند حق آشکار است!

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (النور/۴۹)

ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می‌آیند!

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (الفرقان/۲۶)

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود!

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (الفرقان/۳۳)

آنان هیچ مثلی برای تو نمی‌آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می‌آوریم، و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند)!

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (الفرقان/۶۸)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (النمل/۷۹)

پس بر خدا توکل کن، که تو بر حق آشکار هستی!

نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (القصص/۳)

ما از داستان موسی و فرعون بحق بر تو می‌خوانیم، برای گروهی که (طالب حقند و) ایمان می‌آورند!

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَىٰ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (القصص/۱۳)

ما او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَىٰ آيِنَا لَا يَرْجِعُونَ (القصص/۳۹)

(سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حق در زمین استکبار کردند، و پنداشتند بسوی ما بازگردانده نمی‌شوند!

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمَّ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ (القصص/۴۸)

ولی هنگامی که حق از نزد ما برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان چیزی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر بهانه‌جویانی همانند آنان، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «این دو نفر [= موسی و هارون] دو ساحرند که دست به دست هم داده‌اند (تا ما را گمراه کنند) و ما به هر دو کافریم؟!»

وَإِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (القصص/۵۳)

و هنگامی که بر آنان خوانده شود می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!»

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (القصص/۶۳)

گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است میگویند: «پروردگارا! ما اینها [= عابدان] را گمراه کردیم؛ (آری) ما آنها را گمراه کردیم همان گونه که خودمان گمراه شدیم؛ ما از آنان به سوی تو بیزاری می جوییم؛ آنان در حقیقت ما را نمی پرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش می کردند)!»

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (القصص/۷۵)

(در آن روز) از هر امتی گواهی برمی گزینیم و (به مشرکان) می گوئیم: «دلیل خود را بیاورید!» اما آنها می دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد!

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (العنكبوت/۴۴)

خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و در این آیتی است برای مؤمنان.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (العنكبوت/۶۸)

چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟!

أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (الروم/۸)

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارش را منکرند!

فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (الروم/۳۸)

پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (الروم/۴۷)

و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندر زها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما!

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوْقِنُونَ (الروم/۶۰)

اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است؛ و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و از راه خود منحرف نکنند)!

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (لقمان/۹)

جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم (شکست‌ناپذیر و دانا).

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (لقمان/۳۰)

اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حق است، و آنچه غیر از او می‌خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است!

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاحْشَوْا يَوْمًا لَأَ يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَادِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ (لقمان/۳۳)

ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را؛ به یقین وعده الهی حق است؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد!

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (السجده/۳)

ولی آنان می‌گویند: «(محمد) آن را بدروغ به خدا بسته است»، اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انداز کنی که پیش از تو هیچ اندازکننده‌ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند!

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (السجده/۱۳)

و اگر می‌خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می‌دادیم؛ ولی (من آنها را آزاد گذارده‌ام و) سخن و وعده‌ام حق است که دوزخ را (از افراد بی‌ایمان و گنهکار) از جن و انس همگی پر کنم!

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جُوفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ كُمْ قَوْلِكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (الأحزاب/۴)

خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده؛ و هرگز همسرانتان را که مورد «ظهار» قرار می‌دهید مادران شما قرار نداده؛ و (نیز) فرزندخوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است؛ این سخن شماس است که به دهان خود می‌گویید (سخنی باطل و بی‌پایه)؛ اما خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند.

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (الأحزاب/۳۷)

(به خاطر بی‌اوری) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خوانده‌ات «زید»] می‌گفتی: «همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می‌کردی)؛ و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند؛ و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به

سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان - هنگامی که طلاق گیرند - نباشد؛ و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظْرِينَ
 إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ
 كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ
 مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ
 تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُوجَاتَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ
 عَظِيمًا (الأحزاب/ ۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید، ولی از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا بزرگ است!

وَيَرْى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ
 الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (سبأ/ ۶)

کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می‌دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می‌کند.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ
 رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (سبأ/ ۲۳)

هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد! (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دل‌های آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود؛ در این هنگام مجرمان به شفیعان) می‌گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می‌گویند: «حق را (بیان کرد و اجازه شفاعت درباره مستحقان داد)؛ و اوست بلندمقام و بزرگ‌مرتبه!»

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (سبأ/۲۶)

بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می‌کند، سپس در میان ما بحق داوری می‌نماید (و صفوف مجرمان را از نیکوکاران جدا می‌سازد)، و اوست داور (و جداکننده) آگاه!»

وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (سبأ/۴۳)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «او فقط مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند بازدارد!» و می‌گویند: «این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست!» و کافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: «این، جز افسونی آشکار نیست!»

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَفْذِفُ بِالْحَقِّ عَنَّا الْعُيُوبَ (سبأ/۴۸)

بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می‌افکند، که او دانای غیبها (و اسرار نهان) است.»

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يَعْبُدُ (سبأ/۴۹)

بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست) و نمی‌تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!»

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ

ای مردم! وعده خداوند حق است؛ مبدا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبدا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد!

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (فاطر/۲۴)

ما تو را بحق برای بشارت و انذار فرستادیم؛ و هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است!

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (فاطر/۳۱)

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق‌کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن؛ خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بیناست!

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (یس/۷)

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند!

لَيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (یس/۷۰)

تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد!

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (الصافات/۳۱)

اکنون فرمان پروردگاران بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می‌چشیم!

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ (الصافات/۳۷)

چنین نیست، او حق را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است!

إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (ص/۱۴)

هر یک (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت!

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ

فَأَحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ (ص/۲۲)

در آن هنگام که (بی‌مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!

يا داوودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (ص/۲۶)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند!

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (ص/۶۴)

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان!

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (ص/۸۴)

فرمود: «به حق سوگند، و حق می‌گویم،

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (الزمر/۲)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان!

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (الزمر/۵)

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را مسخر فرمان خویش قرار داد؛ هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند؛ آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است!

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (الزمر/۱۹)

آیا تو می‌توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو میتوانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! **إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ** (الزمر/۴۱)

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت را پذیرد به نفع خود اوست؛ و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و تو مأمور اجبار آنها به هدایت نیستی.

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (الزمر/۶۷)

آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزه و بلندمقام است از شریک‌هایی که برای او می‌پندارند

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يظَلْمُونَ (الزمر/۶۹)

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند، و میان آنها بحق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد!

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (الزمر/۷۱)

و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند؛ وقتی به دوزخ می‌رسند، درهای آن گشوده می‌شود و نگهبانان دوزخ به آنها می‌گویند: «آیا رسولانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را بر حذر دارند؟!» می‌گویند: «آری، (پیامبران

آمدند و آیات الهی را بر ما خواندند، و ما مخالفت کردیم!) ولی فرمان عذاب الهی بر کافران مسلم شده است.

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الزمر/۷۵)

(در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند؛ و در میان بندگان بحق داوری می‌شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!»

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (غافر/۵)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ ببین که مجازات من چگونه بود!

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر/۶)

و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلم شده که آنها همه اهل آتشند!

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَأَيْقُنُونَ بِشَيْءٍ إِنْ أَلَّ اللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (غافر/۲۰)

خداوند بحق داوری می‌کند، و معبودهایی را که غیر از او می‌خوانند هیچ گونه داوری ندارند؛ خداوند شنوا و بیناست!

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (غافر/۲۵)

و هنگامی که حق را از سوی ما برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید!» اما نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می‌شود).

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (غافر/۵۵)

پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است، و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور! ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (غافر/۷۵)

این (عذاب) بخاطر آن است که بناحق در زمین شادی می‌کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می‌پرداختید!

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ فَأِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ (غافر/۷۷)

پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حق است؛ و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده‌ایم در حال حیاتت به تو ارائه دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهم نیست)؛ چرا که همه آنان را تنها بسوی ما باز می‌گردانند!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (غافر/۷۸)

ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم؛ و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه‌ای جز بفرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات آنها) صادر شود، بحق داوری خواهد شد؛ و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد!

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (فصلت/۱۵)

اما قوم عاد بناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!» آیا نمی‌دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟ و (به خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند.

وَقَيْضًا لَهُمْ قُرْنَاءَ فَرَيْنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (فصلت/۲۵)

ما برای آنها همنشینانی (زشت‌سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو و پشت سر آنها در نظرشان جلوه دادند؛ و فرمان الهی در باره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جن و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند؛ آنها مسلماً زیانکار بودند!

سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت/۵۳)

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟!

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (شوری/۱۷)

خداوند کسی است که کتاب را بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق و باطل و خبر قیامت) را نیز؛ تو چه می‌دانی شاید ساعت (قیام قیامت) نزدیک باشد!

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (شوری/۱۸)

کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می‌کنند؛ ولی آنها که ایمان آورده‌اند پیوسته از آن هراسانند، و می‌دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می‌کنند، در گمراهی عمیقی هستند.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ
وَيَحِقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (شوری/۲۴)

آیا می‌گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌نهد (و اگر خلاف بگوئی قدرت اظهار این آیات را از تو می‌گیرد) و باطل را محو می‌کند و حق را بفرمانش پابرجا می‌سازد؛ چرا که او از آنچه درون سینه‌هاست آگاه است.

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (شوری/۴۲)

ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین بناحق ظلم روا می‌دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است!

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (الزخرف/۲۹)

ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره‌مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (الهی) به سراغشان آمد؛

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (الزخرف/۳۰)

هنگامی که حق به سراغشان آمد؛ گفتند: «این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم»!

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (الزخرف/۷۸)

ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید!

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (الزخرف/۸۶)

کسانی را که غیر از او می‌خوانند قادر بر شفاعت نیستند؛ مگر آنها که شهادت به حق داده‌اند و بخوبی آگاهند!

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (الدخان/۳۹)

ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!

تَلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ **بِالْحَقِّ** فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ
يُؤْمِنُونَ (الجاثية/۶)

اینها آیات خداوند است که ما آن را بحق بر تو تلاوت می‌کنیم؛ اگر آنها به این
آیات ایمان نیاورند، به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیاتش ایمان می‌آورند؟!
وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ **بِالْحَقِّ** وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا
يَظْلُمُونَ (الجاثية/۲۲)

و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام
داده است جزا داده شود؛ و به آنها ستمی نخواهد شد!

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ **بِالْحَقِّ** إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (الجاثية/۲۹)
این کتاب ما است که بحق با شما سخن می‌گوید (و اعمال شما را بازگو می‌کند)؛
ما آنچه را انجام می‌دادید می‌نوشتیم!

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ **حَقٌّ** وَالسَّاعَةُ لَأَرَبٍ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ
إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ (الجاثية/۳۲)

و هنگامی که گفته می‌شد: «وعده خداوند حق است، و در قیامت هیچ شکی
نیست»، شما می‌گفتید: «ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره
داریم، و به هیچ وجه یقین نداریم!»

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا **بِالْحَقِّ** وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا
أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ (الأحقاف/۳)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و برای سرآمد معینی
نیافریدیم؛ اما کافران از آنچه انذار می‌شوند روی گردانند!

وَإِذَا تَتَلَّىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا **لِلْحَقِّ** لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ
مُبِينٌ (الأحقاف/۷)

هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران در برابر حقی که برای
آنها آمده می‌گویند: «این سحری آشکار است!»

وَالَّذِي قَالَ لِيُؤَدِّيهِ أَفٍّ لَكُمْ مَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمْ لَا يَسْتَعِينُونَ اللَّهُ وَيَلِكْ آمِينَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (الأحقاف/ ۱۷)

و کسی که به پدر و مادرش می‌گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می‌دهید که من روز قیامت مبعوث می‌شوم؟! در حالی که پیش از من اقوام زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)! و آن دو پیوسته فریاد می‌کشند و خدا را به یاری می‌طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است اما او پیوسته می‌گوید:» اینها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست!

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (الأحقاف/ ۱۸)

آنها کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جن و انس بودند مسلم شده، چرا که همگی زینکار بودند!

وَيَوْمَ يَعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (الأحقاف/ ۲۰)

آن روز که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند (به آنها گفته می‌شود): از طیبات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید؛ اما امروز عذاب ذلت‌بار بخاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و بخاطر گناهایی که انجام می‌دادید؛ جزای شما خواهد بود!

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ (الأحقاف/ ۳۰)

گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه‌های کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند.

وَيَوْمَ يَغْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (الأحقاف/۳۴)

روزی را به یاد آور که کافران را بر آتش عرضه می‌دارند (و به آنها گفته می‌شود): آیا این حق نیست؟! می‌گویند: «آری، به پروردگاران سوگند (که حق است)!» (در این هنگام خداوند) می‌گوید: «پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!»

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (محمد/۲)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده - و همه حق است و از سوی پروردگارش - نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند!

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (محمد/۳)

این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارش بود تبعیت نمودند؛ این‌گونه خداوند برای مردم مثل‌های (زندگی) آنان را بیان می‌کند!

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (الفتح/۲۶)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند؛ و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز دانا است.

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ
مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
فَتْحًا قَرِيبًا (الفتح/۲۷)

خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می‌شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
شَهِيدًا (الفتح/۲۸)

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادایان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ (ق/۵)
آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند!

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ تُبِعَ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (ق/۱۴)
و «اصحاب الایکه» [= قوم شعیب] و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت!

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (ق/۱۹)
و سرانجام، سكرات (و بیخودی در آستانه) مرگ بحق فرامی‌رسد (و به انسان گفته می‌شود): این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی!
يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ (ق/۴۲)

روزی که همگان صیحه رستاخیز را بحق می‌شنوند؛ آن روز، روز خروج (از قبرها) است!

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (الذاریات/۱۹)

و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود!

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ (الذاریات/۲۳)

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است همان گونه که شما سخن می‌گویید!

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (النجم/۲۸)

آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی‌پایه پیروی می‌کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند!

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (الواقعه/۹۵)

این مطلب حق و یقین است!

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (الحديد/۱۶)

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گنهکارند!

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (الحديد/۲۷)

سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم؛ و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنها فاسقند!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (الممتحنة/۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانانترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است!

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (الصف/۹)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (التغابن/۳)

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و شما را (در عالم جنین) تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر؛ و سرانجام (همه) بسوی اوست.

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (الحاقه/۵۱)

و آن یقین خالص است!

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (المعارج/۲۴)

و آنها که در اموالشان حق معلومی است...

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَأَ (النبا/۳۹)

آن روز حق است؛ هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند!

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (الانشقاق/۲)

و تسلیم فرمان پروردگارش شود - و سزاوار است چنین باشد -

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (الانشقاق/۵)

و تسلیم فرمان پروردگارش گردد - و شایسته است که چنین باشد -

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (العصر/۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند!

بطل در کلام الله

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (البقرة/۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر

نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشانده شود؛) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأعراف/۱۱۸)

(در این هنگام،) حق آشکار شد؛ و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت. أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (الأعراف/۱۷۳)

یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانمان بعد از آنها بودیم؛ (و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم؛) آیا ما را به آنچه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟!»

لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيَبْطَلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (الأنفال/۸)

تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند.

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (يونس/۸۱)

هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آوردید، سحر است؛ که خداوند بزودی آن را باطل می‌کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند!

وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (العنكبوت/۴۸)

تو هرگز پیش از این کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند!

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (الروم/۵۸)

ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثال و مطلبی بیان کردیم؛ و اگر آیه‌ای برای آنان بیاوری، کافران می‌گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر و جادو است)!»

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (غافر/۷۸)

ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم؛ و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه‌ای جز بفرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات آنها) صادر شود، بحق داوری خواهد شد؛ و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد!

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدُ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ (الجاتیه/۲۷)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین برای خداست؛ و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می‌بینند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (محمد/۳۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید!

باطل در کلام الله

وَلَا تَلْسِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقره/۴۲)

و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید!

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة/۱۸۸)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است)!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران/۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می‌زمیزید و) مشتبه می‌کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می‌دارید در حالی که می‌دانید؟! الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران/۱۹۱)

همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند:) بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (النساء/۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است.

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (النساء/۱۶۱)

و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم بباطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم.

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبَرُّوْنَ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأعراف/۱۳۹)

اینها (را که می بینید)، سرانجام کارشان نابودی است؛ و آنچه انجام می دهند، باطل (و بیهوده) است.

لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيَبْطُلَ الْبَاطِلُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (الأنفال/۸)

تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند.

يا أيها الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (التوبة/۳۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل می خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (هود/۱۶)

(ولی) آنها در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت؛ و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می رود؛ و آنچه را عمل می کردند، باطل و بی اثر می شود!

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (الرعد/۱۷)

خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر دره و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز

کفهایمانی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند! - اما کفها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند اینچنین مثال می‌زند!

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (النحل/۷۲)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟!

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (الإسراء/۸۱)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!»

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوعًا (الكهف/۵۶)

ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انداز کننده، نمی‌فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازات‌هایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند!

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْأُولَىٰ مِمَّا تَصِفُونَ (الأنبياء/۱۸)

بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود! اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می‌کنید!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (الحج/۶۲)

این بخاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است!

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (العنكبوت/۵۲)

بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند!

أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (العنكبوت/۶۷)

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می‌ربایند؟! آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند؟!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (لقمان/۳۰)

اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حق است، و آنچه غیر از او می‌خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است!

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يَعِيدُ (سبأ/۴۹)

بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست) و نمی‌تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!»

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (ص/۲۷)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کفران است؛ وای بر کفران از آتش (دوزخ)!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ
وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (غافر/۵)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ ببین که مجازات من چگونه بود!

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (فصلت/۴۲)

که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است!

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ
وَيَحِقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (شوری/۲۴)

آیا می‌گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌نهد (و اگر خلاف بگوئی قدرت اظهار این آیات را از تو می‌گیرد) و باطل را محو می‌کند و حق را بفرمانش پابرجا می‌سازد؛ چرا که او از آنچه درون سینه‌هاست آگاه است.

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ
كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (محمد/۳)

این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند؛ این‌گونه خداوند برای مردم مثلهای (زندگی) آنان را بیان می‌کند!